

تبیین پدیده نشاط و پویایی علمی در مراکز علمی از منظر نخبگان دانشگاهی: مطالعه‌ای با رویکرد پدیدارشناسی

زینب محمدزاده*

کیوان صالحی**

چکیده

نشاط و پویایی علمی، مهم‌ترین عامل بالندگی و تعالی در مراکز علمی و دانشگاهی است. حساسیت این پدیده و فقدان اجماع در تعریف پدیده نشاط و پویایی علمی و تبیینی روشن از مصادیق و نشانگرهای نشاط و پویایی علمی مطلوب در مراکز علمی و دانشگاهی، موجب شد تا این پدیده در پژوهش حاضر مورد واکاوی قرار گیرد. داده‌ها با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند و مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۲۲ مشارکت‌کننده (تعداد ۱۲ نفر دانشجویان تحصیلات تکمیلی و تعداد ۱۰ نفر اعضای هیئت علمی) گردآوری شد و به روش گلازی تحلیل گردید؛ در چهاردهمین مصاحبه، اشباع نظری داده‌ها حاصل گردید. به‌منظور اعتباربخشی یافته‌ها، مصاحبه‌ها تا بیست و دومین نفر ادامه یافت. نتایج حاصل از این مطالعه به استادان شرکت‌کننده در این پژوهش ارائه و نتایج مطالعه، تأیید شد. تحلیل داده‌ها به ارائه تعریف‌های مرجع از نشاط و پویایی علمی در چهار بعد فردی، تیمی، سازمانی و اجتماعی منتهی شد و به‌منظور زمینه‌سازی برای ارتقای بالندگی و حرکت در راستای مرجعیت علمی، شاخص‌های نشاط و پویایی علمی در مراکز علمی و دانشگاهی از منظر عناصر سیستمی تبیین گردید.

واژگان کلیدی

نشاط و پویایی، شادی، دانشگاه‌ها و مراکز علمی، تولید علم، پدیدارشناسی

Email: z_mohamadzadeh@ut.ac.ir

* کارشناس ارشد تحقیقات آموزشی، دانشگاه تهران

Email: keyvansalehi@ut.ac.ir

** عضو هیئت علمی دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۱/۱۸

تاریخ ارسال: ۹۴/۵/۶

فصلنامه راهبرد / سال بیست و پنجم / شماره ۷۹ / تابستان ۱۳۹۵ / صص ۲۲۷-۲۵۸

جستار گشایی

شادی، نشاط و پویایی از مباحث اساسی مطرح در روان‌شناسی مثبت‌گرا (سموعی و همکاران، ۱۳۸۸؛ داینر، اویشی و لوکاس^۱، ۲۰۰۹؛ کار^۲، ۲۰۱۱؛ اويسال و همکاران^۳، ۲۰۱۴)، نیروی محرکه سرمایه‌های فکری (فز، رمضان و زاهدی، ۱۳۹۲) جوامع و مهم‌ترین عامل بالندگی و تعالی در مراکز علمی و دانشگاهی است. از آنجاکه هر تغییر و پیشرفت در جوامع بشری، دانایی محور است (ابوالحسنی و نجاتی‌منفرد، ۱۳۹۰)؛ بنابراین، «ترقی هر کشوری رابطه مستقیم با پیشرفت علم، دانش و فناوری آن کشور دارد. پیشرفت علمی حاصل نمی‌شود، مگر این‌که افراد متفکر و خلاق تربیت شوند» (نیاز آذری، ۱۳۹۳:۴۱). پرواضح است که تربیت چنین سرمایه‌های فکری و اجتماعی نیز خود مستلزم ایجاد بسترهای لازم و پرورش روحیه تحول‌گرایی، خود راهبری، نقادی و حل مسئله (نوملی، جویباری و ثناگو، ۱۳۹۱) در آنهاست که بدون ایجاد محیط یادگیری پویا و با نشاط امکان‌پذیر نخواهد بود.

نگارندگان این مقاله (محمدزاده و صالحی، ۱۳۹۴) در مطالعه دیگری دریافتند: «اگرچه در حال حاضر، جامعه علمی و دانشگاهی کشور به پشتوانه نسل جوان، متفکر، خلاق، متخصص، متعهد و انقلابی نسبت به گذشته در وضعیت مطلوب‌تری به سر می‌برد و آمار انتشار مقالات علمی در عرصه بین‌المللی یا بهبود وضعیت دانشگاه‌های کشور در فهرست رده‌بندی جهانی، نمایانگر تنها بخشی از این حرکت رو به رشد است، اما آسیب‌شناسی، رصد عالمانه و حضور مداوم و خاموش در رده‌های زیرین و عملیاتی هرم علمی و دانشگاهی کشور حاکی از این مطلب است که نشاط و پویایی مطلوب و مورد انتظار در تمامی سطوح و مویرگ‌های علمی و دانشگاهی کشور جریان ندارد». این مهم می‌تواند در درازمدت موجب کندشدن حرکت علمی کشور و مانعی بزرگ و اساسی در مسیر نخستین اصل سیاست‌های کلی علم و فناوری نظام؛ یعنی تحقق «جهاد مستمر علمی و کسب مرجعیت علمی و فناوری در جهان» (عربی، ۱۳۹۴) باشد.

فرار مغزها یا فقدان تلاش کافی برای جذب آنها و هشدارهایی از مهاجرت نخبگان و قهرمانان المپیدی کشور، پیام خوشایندی برای ورود به دنیای آینده نیست و ضرورت توجه به خردورزی و اندیشه‌پروری اندیشمندان و نخبگان جهت شناسایی راهکارهای توسعه و

-
1. Diener, Oishi & Lucas
 2. Carr
 3. Uysal & others

برطرف کردن موانع از سوی مسئولین برای اهداف توسعه و رسیدن به مرز استقلال یک امر بدیهی است (شریف و شبگو منصف، ۱۳۹۰: ۴).

از این رو، تمرکز بر شناخت، ایجاد و تقویت پدیده نشاط و پویایی علمی در مراکز علمی و دانشگاهی، به عنوان راهکاری توانمند و مؤثر در این حوزه بیش از پیش ضرورت می یابد. پژوهش حاضر می کوشد تا فارغ از هرگونه قضاوت در خصوص کیفیت دیدگاه های مشارکت کنندگان، ضمن تبیین پدیده نشاط و پویایی علمی از منظر نخبگان و استادان دانشگاهی، در مسیر شناخت، ایجاد و تقویت این پدیده مغفول واقع شده در مراکز علمی و دانشگاهی کشور و تحقق اهداف چشم انداز بیست ساله نظام گام برداشته و برای ارتقای بالندگی و حرکت در راستای مرجعیت علمی، زمینه های لازم نظری را با ارائه راهکارهای مناسب، فراهم سازد.

مروری بر مبانی نظری و پیشینه پژوهش. اگرچه مفهوم نشاط علمی هنوز تعریف نشده و فاقد یک مدل جامع است (کوپ، هاردن و ویور^۴، ۲۰۰۸)، اما مفهوم پویایی علمی از آن ناشناخته تر است؛ چرا که نشاط علمی تداعی کننده شادی و نشاط است، اما پویایی علمی هیچ گونه تعریف مشابهی را به ذهن متبادر نمی کند. جالب این که شادی و نشاط هم از منظر افراد مختلف معانی متفاوتی دارد و هر فردی آن را بر اساس دیدگاه خود تعریف می کند. پس نشاط علمی نیز می تواند تفسیر به رأی شود و بسته به تعریف ارائه شده در عمل نیز پیگیری و حتی ارزیابی شود. اغلب مردم شادی را نوعی لذت، هیجان مثبت یا رضایت از زندگی تعریف می کنند (آرگیل^۵، ۲۰۱۳: ۵؛ اویسال و همکاران^۶، ۲۰۱۴)، اما همین افراد هم وقتی به تعریف نشاط می رسند، محتاطانه تر، با تأمل بیشتر و به نوعی با رویکرد صدیقی و عملیاتی آن را تعریف می کنند. جزء جدایی ناپذیر زندگی بشر، یک تجربه ذهنی و واقعیتی فوق العاده عباراتی است که در تعریف آنها به چشم می خورد (استرن^۷، ۲۰۱۰). امروزه متخصصان نشاط را تنها مختص علم روانشناسی نمی دانند، بلکه آن را گفتمانی نوظهور برای بیان انرژی بدنی، تمایلات و صفات شخصی معرفی می کنند که ابعاد و علل آن می تواند در تمامی حوزه های علوم اجتماعی و ارتباطی از روانشناسی گرفته تا آموزش (آبلمان، کیم و پارک^۸، ۲۰۰۵)، هنر (استرن، ۲۰۱۰) و مدیریت و رفتار سازمانی (هوستن^۹، ۲۰۰۷) مورد تبیین و واکاوی قرار گیرد.

4. K ppe, Harder & V ever

5. Argyle

6. Uysal & Others

7. Stern

8. Abelman, Kim & Park

9. Huston

به لحاظ تاریخی، استاد مطهری (۱۳۶۷) در تبیین عوامل مؤثر در نشاط علمی در زمان حضرت صادق (ع) بر سه عامل عمده تأکید داشتند: «بر باور ایشان: عامل نخست این بود که محیط آن روز اسلامی یک محیط صددرصد مذهبی بود و مردم تحت انگیزه‌های مذهبی بودند. تشویق‌های نبی مکرم اسلام (ص) به علم و تشویق‌ها و دعوت‌های قرآن کریم به علم و تعلم و تفکر و تعقل، عامل اساسی این نهضت و شورونشاط بود. عامل دوم این بود که نژادهای مختلف وارد دنیای اسلام شده بودند که اینها سابقه فکری و علمی داشتند. عامل سوم که زمینه را مساعد می‌کرد جهان‌وطنی اسلامی بود، یعنی اینکه اسلام با وطن‌های آب‌و‌خاکی مبارزه کرده بود و وطن را وطن اسلامی تعبیر می‌کرد که هر جا اسلام هست آنجا وطن است و در نتیجه تعصبات نژادی تا حدود بسیار زیادی از میان رفته بود به طوری که نژادهای مختلف با یکدیگر همزیستی داشتند و احساس اخوت و برادری می‌کردند، برای مثال شاگرد خراسانی بود و استاد مصری، یا شاگرد مصری بود و استاد خراسانی؛ حوزه درس تشکیل داده می‌شد، آن که به‌عنوان استاد نشسته بود برای مثال یک غلام بربری بود مثل نافع یا عکرمه غلام عبدالله ابن عباس؛ یک غلام بربری می‌آمد می‌نشست، بعد می‌دیدید عراقی، سوری، حجازی، مصری، ایرانی و هندی پای درس او شرکت کرده‌اند. این یک عامل بسیار بزرگی بوده برای اینکه زمینه این جهش و جنبش را فراهم کند» (مطهری، ۱۳۶۷: ۱۴۱-۱۴۰).

ضرورت شکل‌گیری و ارج نهادن به فرهنگ شفافیت، نقاد و نقدپذیر از یک‌سو و توجه، تشویق و احترام به تنوع اندیشه‌ها، تضارب آرا و مکاتب مختلف به‌عنوان یکی از مهم‌ترین الزامات در شکل‌گیری فضا و فرهنگ نشاط و بالندگی علمی از سوی دیگر است. در کلام نورانی امیرالمؤمنین (ع) است که فرموده‌اند: «مردم همواره در خیر و خوبی به‌سر می‌برند تا موقعی که با یکدیگر متفاوتند و اگر یکسان گشتند، هلاک خواهند شد» (مجلسی، ۱۳۹۰). به‌نظر می‌رسد، ایشان در این سخن نورانی، ضرورت توجه به اصل تفاوت‌های فردی و لزوم زمینه‌سازی و تسهیل شرایط برای تضارب آراء گوناگون و ارج نهادن به نظرات گوناگون را تأکید داشته‌اند؛ به‌گونه‌ای که رعایت این نکات ارزشمند را نه تنها لازم و یک انتخاب، بلکه الزامی دانسته و نبود آن را موجبات هدررفت و سقوط کیفیت و بالندگی، معرفی کرده‌اند.

تاریخچه پژوهش درباره شادی کوتاه است و به سال ۱۹۶۰ برمی‌گردد. نتایج بسیاری از پژوهش‌ها از اثر مثبت شادی و پویایی بر زندگی فردی و اجتماعی حکایت می‌کند. این پژوهش‌ها وقتی به پیامدهای مثبت شادی و نشاط می‌رسند، مواردی مانند موارد زیر را برمی‌شمرند:

- تسهیل نظم اجتماعی یا کاهش آسیب‌های اجتماعی مانند اعتیاد (نیلی، موسوی و رضازاده، ۲۰۱۳)؛

- ارتقای سلامت جسمی مانند سلامت قلب و عروق (ریچمن و همکاران، ۲۰۰۹)^{۱۰}؛

- بهینه‌سازی کیفیت زندگی و ارتقای سلامت روانی و اثر غیرمستقیم بر میزان رضایت از زندگی (سیوندی پور و عبداللهی، ۱۳۹۱؛ پورسردار و همکاران، ۱۳۹۰)؛

- حل بسیاری از مشکلات روحی- روانی، افزایش انگیزه در کار و تحصیل (شجاعی و همکاران، ۱۳۹۰؛ نارماشیری، رقیبی و مظاهری، ۲۰۱۴)^{۱۱}؛

- تأثیرات مثبت شادی و شادکامی بر افزایش پیشرفت تحصیلی دانشجویان (رئیزی و همکاران، ۱۳۹۲).

روانشناسان حالت شادی را نتیجه عمل هماهنگ، منسجم و سامان‌یافته همه عواطف یک فرد می‌دانند و معتقدند که نشاط و آرامش روحی زمینه‌های باروری خرد و اندیشه را فراهم می‌کند (اسکندری، ۱۳۸۶: به نقل از نیاز آذری، ۱۳۹۳: ۳۸؛ لوییس، هاویلند و بارت، ۲۰۱۰)^{۱۲} از این‌رو می‌توان شادی را یکی از نیازهای اساسی زندگی و عاملی برای رشد و موفقیت دانست. *فورد/یس*^{۱۳} نیز دو جنبه ذهنی و عملی را در ایجاد شادی مؤثر می‌داند و اصول چهارده‌گانه‌ای را برای افزایش شادمانی تعریف می‌کند که مصادیقی نظیر: «زندگی در زمان حال، فعال‌تربودن و سرگرمی، اولویت و ارزش دادن به شادی، گذراندن اوقات بیشتر در اجتماعات، ارتباط نزدیک و صمیمانه، مولدبودن و انجام کارهای سودمند و معنادار، از بین بردن احساسات و مسائل منفی، برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی بهتر، خودبودن، دورکردن نگرانی‌ها، پرورش شخصیت اجتماعی و برون‌گرا، کاهش سطح توقعات و آرزوها، پرورش شخصیت سالم، افزایش تفکر مثبت و خوش‌بینی» (نیاز آذری، ۱۳۹۳: ۴۰) را دربرمی‌گیرد.

فری و استاتنر^{۱۴} (۲۰۱۰) شادی را هدف غایی زندگی می‌دانند و معتقدند که بر زندگی دنیا و حتی آخرت اثر می‌گذارد. *اسمیت*^{۱۵} (۲۰۱۳) برای شادی و مکان‌های شاد، نقش تعیین‌کننده‌ای قائل است و آموزش برای شادی^{۱۶} و شادی در آموزش^{۱۷} را یکی از اهداف

10. Richman

11. Narmashiri, Raghbi & Mazaheri

12. Lewis, Haviland & Barrett

13. Fordyce

14. Frey & Stutzer

15. Smith

16. Education for Happiness

17. Happiness in Education

آموزش می‌داند. فرد دغدغه‌مند و کلان‌نگری مثل لی^{۱۸} (۲۰۰۸) با چشم‌اندازی فراملی و جهانی، در مطالعه‌های رابطه بین آموزش و پرورش و شادی را از دیدگاه شرق و غرب بررسی کرده و در نهایت بر لزوم ارائه پارادایم‌های جدید شادی تأکید می‌کند. لی (۲۰۱۱) چند سال بعد در مقاله آموزش عالی و شادی در عصر اطلاعات،^{۱۹} شادی را به‌عنوان یکی از اهداف مورد نیاز دانشگاه معرفی می‌کند که باید به‌طور جدی برای رسیدن به آن تلاش کرد. وی پس از طرح چرایی مسئله و پرداختن به اشکال و ویژگی‌های آموزش عالی در عصر اطلاعات، به تبیین رابطه بین آموزش عالی و شادی می‌پردازد و کمال مطلوبی را پیشنهاد می‌کند که در آن مراکز آموزش عالی آینده، نه تنها فرصت‌های تحقق یافتن شادی و خوشبختی برای یک فرد را ایجاد می‌کنند، بلکه فرصتی برای ترویج رفاه اجتماعی، ملی و بین‌المللی برای یک ملت و جهان هستند.

شادی و نشاط بنیادی‌ترین مفهوم در روانشناسی مثبت‌گراست (سموعی و همکاران، ۱۳۸۸، سیلگمن، ۲۰۰۲^{۲۰}؛ پیترسون، ۲۰۰۶^{۲۱}؛ اسنایدر، ۲۰۱۰^{۲۲}؛ کار، ۲۰۱۱^{۲۳}؛ دانکوسکی و همکاران، ۲۰۱۲^{۲۴}؛ گارلند، ۲۰۱۳^{۲۵}). نتایج بسیاری از پژوهش‌ها حاکی از نقش حیاتی نشاط علمی بر سلامت مراکز علمی و دانشگاهی (علوی، ۲۰۰۷؛ دی و لی، ۲۰۱۱^{۲۶}؛ سلهوب و لوگان، ۲۰۱۲^{۲۷}) و کاهش استرس و افزایش رضایت شغلی است و دانشجویان به‌عنوان نیروهای تأثیرگذار و مولد و سرمایه‌های انسانی و اجتماعی کشور به محیط و روحیه شاد نیازمندند (سموعی و همکاران، ۱۳۸۸) تا با بهره‌مندی از این نشاط و سرزندگی، پویایی علمی مضاعفی را در مراکز علمی و دانشگاهی کشور رقم زنند و در بستری مناسب به جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم مدنظر چشم‌انداز بیست‌ساله نظام، جامه عمل بپوشانند. آنچه در این مسیر تاکنون بدان پرداخته نشده است، بررسی نوع نگرش به این پدیده و تبیین کیفیت نشاط و پویایی علمی مطلوب در مراکز علمی و دانشگاهی کشور با هدف هم‌افزایی جمعی برای گام برداشتن در مسیر ممکن و دستیابی به وضعیت مطلوب است. پژوهش حاضر به‌عنوان نخستین گام و تلاشی

18. Lee

19. Higher Education and Happiness in the Age of Information

20. Seligman

21. Peterson

22. Snyder

23. Carr

24. Dankoski., Palmer, Laird, Ribera & Bogdewic

25. Garland

26. Day & Lee

27. Selhub & Logan

در راستای شناسایی و تبیین این پدیده از منظر نخبگان دانشگاهی است. بدین منظور پرسش‌های زیر مورد بررسی قرار گرفت:

۱. از منظر نخبگان دانشگاهی، تعریف نشاط و پویایی علمی در مراکز علمی و دانشگاهی دارای چه ویژگی‌هایی است؟

۲. از منظر نخبگان دانشگاهی، نشاط و بالندگی علمی به تفکیک عناصر آموزشی (دانشجو، استاد، محتوا، مواد آموزشی، تکالیف، فرایند یاددهی- یادگیری) دارای چه مصادیقی است؟

۳. مصادیق مطرح‌شده از منظر کلان، دارای چه جهت‌گیری‌هایی است؟

روش پژوهش. در پژوهش حاضر برای مطالعه ماهیت پدیده نشاط و پویایی علمی در مراکز علمی و دانشگاهی به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی (دلاور، ۱۳۹۲) از منظر نخبگان دانشگاهی یعنی دانشجویان و استادان دانشگاه تهران (بازرگان، ۱۳۹۱) از روش پدیدارشناسی استفاده شد. نمونه‌گیری، هدفمند و با در نظر گرفتن دو ملاک: دانشجوی تحصیلات تکمیلی یا استاد دانشگاه تهران بودن و تمایل به مشارکت در پژوهش، انجام شد. استفاده از فن مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته با تأکید بر رویکرد اکتشافی (ابوالمعالی، ۱۳۹۱) برای گردآوری داده‌ها به این دلیل انتخاب شد که مصاحبه نیمه ساختاریافته از فنون اصلی جمع‌آوری داده‌ها در پژوهش‌های کیفی است؛ به‌ویژه هنگامی که تجارب قبلی شرکت‌کنندگان مورد تحقیق قرار می‌گیرد (ادیب حاج باقری، ۱۳۸۵؛ به نقل از صفایی موحد، ۱۳۸۹: ۱۰۵). نمونه‌گیری با روش در دسترس^{۲۸} آغاز شد و پس از آن به روش گلوله برفی^{۲۹} ادامه یافت تا در چهاردهمین مصاحبه اشباع داده‌ها حاصل شد. باهدف اعتباربخشی یافته‌ها، مصاحبه‌ها تا ۲۲ نفر ادامه یافت و در مجموع ۱۲ دانشجوی تحصیلات تکمیلی و تعداد ۱۰ نفر عضو هیئت‌علمی دانشگاه تهران در این مطالعه مشارکت کردند. مصاحبه‌ها در سه قالب حضوری، تلفنی و مکتوب انجام، ثبت و ضبط شد. به دلیل رعایت اخلاق پژوهشی و عمل به تعهد اولیه مبنی بر عدم افشای نام مشارکت‌کنندگان، یافته‌های به‌دست‌آمده از هر مصاحبه بدون نام مشارکت‌کننده و بر اساس جنسیت و دانشجو یا استاد بودن مشارکت‌کنندگان، طبقه‌بندی و با تخصیص کد، نشان‌دار گردید. در تحلیل داده‌ها از راهبرد هفت مرحله‌ای کلایزی^{۳۰} (۱۹۹۷؛ به نقل از عابدی، ۱۳۸۸) استفاده شد. روش کلایزی، روشی توصیفی در تحلیل محتوا به این شرح است: خواندن پروتکل؛ استخراج جملات مهم؛ فرمول‌بندی معانی؛ تم‌ها (موضوعات اصلی)؛ تلفیق نتایج؛ ساختار ذاتی پدیده؛

28. Convenience

29. Snowball sampling

30. Colizzi's seven- step method

اعتباربخشی یافته‌ها (۱۹۹۷؛ به نقل از عابدی، ۱۳۸۸: ۲۱۶). عابدی (۱۳۸۸) به نقل از گلایزی، رعایت همه این مراحل را الزامی نمی‌داند.

یافته‌های پژوهش. مفهوم نشاط و پویایی علمی برای اکثریت قریب به اتفاق شرکت‌کنندگان در این پژوهش، نامأنوس بود، لذا در جلسات مصاحبه، با فاصله زمانی و پس از تأمل بسیار، موفق به ارائه تعریفی از این پدیده شدند که در عین تفاوت و تنوع، بیشتر بیانگر مصادیق عینی و عملیاتی نشاط و پویایی به‌طور عام و نه خاص (نشاط و پویایی علمی) بود که در کلاس یا فضای دانشگاه تجربه کرده بودند. جالب اینکه هیچ‌یک از این تعاریف، مراکز علمی غیردانشگاهی را دربرنداشت. از آنجا که مشارکت‌کنندگان این پژوهش دانشجویان و استادانی هستند که تجربه حضور در دانشگاه‌های شمال، جنوب، مرکز، شرق و غرب کشور را در مقاطع قبلی تحصیلی داشته‌اند و در زمان اجرای این پژوهش (نیمسال دوم سال تحصیلی ۹۴-۹۳) در دانشگاه تهران مشغول به تحصیل هستند، می‌توان به‌طور ضمنی استنتاج کرد که در فرهنگ عمومی جامعه ایرانی و حتی در میان نخبگان دانشگاهی:

الف) تعریف دقیق و مشخصی از ماهیت پدیده نشاط و پویایی علمی وجود ندارد؛

ب) در بیشتر موارد، پسوند علمی تنها به مدارس و دانشگاه‌ها اطلاق می‌شود و مراکز پژوهشی و آموزشی غیردانشگاهی به عنوان مراکز علمی شناخته شده نیستند. بر این اساس تعاریف ارائه شده توسط اکثریت مشارکت‌کنندگان، اغلب معطوف به دو سطح کلاس و دانشگاه بود و مراکز علمی را دربرنمی‌گرفت. یافته‌های مبتنی بر تحلیل ادراکات نخبگان دانشگاهی کشور، حاکی است که پدیده نشاط و پویایی علمی دارای چهار بعد فردی، گروهی، سازمانی و اجتماعی است.

شکل شماره (۱) - ابعاد پدیده نشاط و پویایی علمی



(برگرفته از یافته‌های پژوهش)

۱. ابعاد شناسایی شده پدیده نشاط و پویایی علمی

بر اساس ابعاد شناسایی شده پدیده نشاط و پویایی علمی عبارت است از مجموع: پدیده نشاط و پویایی علمی- فردی؛ پدیده نشاط و پویایی علمی- تیمی؛ پدیده نشاط و پویایی علمی- سازمانی؛ و پدیده نشاط و پویایی علمی- اجتماعی.

بنابراین در بعد **فردی** دارای نشاط و پویایی علمی است که: «زندگی هدفمند داشته، در عین سلامت جسمی، معنوی، اجتماعی و روانشناختی و تأمین نیازهای اولیه و معقول، باور و انگیزه پیشرفت فردی داشته باشد تا با انتخاب صحیح رشته تحصیلی و زمینه مطالعاتی خود، مبتنی بر علایق و استعدادهایش و کسب شایستگی‌های علمی، اخلاقی و ارتباطی لازم، با محور قراردادن مسائل اصیل و نیازمندی‌های فردی، تیمی، سازمانی، محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی، در عرصه تولید علم نافع، پیشرو باشد».

گروهی دارای نشاط و پویایی علمی است که: «اعضای آن نسبت به رسالت‌ها، چشم‌انداز و اهداف و ظرفیت‌های گروه، سازمان و جامعه آگاهی داشته؛ سازوکارها و شرایط بهبود ارتباط مؤثر اعضای گروه تعریف و تصریح کرده؛ وجود سرمایه اجتماعی در گروه به برقراری تعامل سازنده و بالنده بین اعضای گروه انجامیده؛ در سایه اعتماد، توکل و باور اعضای گروه به توانمندی‌های خود، موفقیت هم‌افزا و ارزش‌آفرین، تلاش مستمر و هدفمند در ارزش‌گذاری و توجه به تنوع تفکر و آراء در مرحله ایده‌پردازی شکل گرفته و به اجماع و همیاری در مسیر و اجرا می‌انجامد».

سازمانی دارای نشاط و پویایی علمی است که: «فعالیت هدفمند و مدبرانه داشته؛ مسئله‌یاب و مسئله‌محور بوده؛ تصمیم‌ها و اقدام‌های علمی‌اش را مبتنی بر مسائل اصیل و اولویت‌بندی راهبری می‌کند؛ فرهنگ مطالبه‌گری پیشرفت و باور به مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی، شفافیت و شوق برای توسعه پایدار در تمامی ارکان آن به‌گونه‌ای متوازن نهادینه شده؛ از نظام مشوق سازمانی مبتنی بر عملکرد و نظام ارزشیابی جامع و منصفانه با معیارها، ملاک‌ها و شاخص‌های شفاف و باورپذیر برخوردار است. فرایندهای اجرایی در این سازمان، به‌گونه‌ای است که ضمن پیروی از اصول شایسته‌گزینی، شایسته‌سالاری، شایسته‌داری و شایسته‌سازی، با رعایت اخلاق علمی و حرفه‌ای، استقلال و معناگرایی، موجبات پیشروی و پیشگامی در تولید علم، ارزش‌آفرینی و تولید ثروت درون‌زاد و پایدار را فراهم کرده است».

جامعه‌ای دارای نشاط و پویایی علمی است که: «در عین باورمندی و سرلوحه قرار دادن ارزش‌های الهی، فرهنگ‌سازی و ارتقای هویت ملی شهروندان و کارکردهای نهادهای و تشکل‌های علمی و اساسی همچون خانواده را در رأس برنامه‌هایش قرار داده‌است؛ به‌گونه‌ای که

به منظور اصلاح اجتماعی و افزایش نشاط و بالندگی، شرایط و امکانات بهینه نرم‌افزاری و سخت‌افزاری برای تأمین و توسعه آزمایش را در سایه نهادهای سازای ارزش تلاش و کوشش فردی، گروهی و سازمانی و تعامل ملموس، مؤثر و مولد علمی و روزآمد با تمامی عناصر درونی و محیط پیرامونی را در دستور کار خود قرار داده باشد؛ در این جامعه، تلاش می‌شود تا با زمینه‌سازی برای ارتقاء و بالندگی سرمایه‌های انسانی، اجتماعی و ملی و ارزش‌شدن و رفعت یافتن سخت‌کوشی و فعالیت‌های هوشمندانه مبتنی بر نیازسنجی و نیاز آفرینی مستمر و متوازن، جایگاه علم، عالم و معلوم نهاده شده شود».

بخش دیگری از یافته‌ها حاکی است که مصادیق مشاهده شده نشاط و پویایی علمی از منظر نخبگان دانشگاهی و بر اساس عناصر آموزشی (دانشجو، استاد، محتوای درسی، فرایند یادگیری - یاددهی و تکالیف) نیز در دو عنصر دانشجو و استاد از ابعاد چهارگانه (فردی، سازمانی، اجتماعی و گروهی) تبعیت می‌کند و به ترتیب:

دانشجویی دارای نشاط و پویایی علمی است که: «به لحاظ فردی از سلامت جسمی، معنوی، اجتماعی و روان‌شناختی برخوردار بوده و در سطح بهینه‌ای از صلاحیت‌های علمی و اخلاقی، هدفمندی، تعهد، نظم، علاقه و جستجوگری علمی، پیش‌نیازهای علمی لازم، تسلط به زبان‌های ملی و بین‌المللی، خلاقیت و کارآفرینی، نگاه کیفی و کاربردگرا، نگاه نقادانه، دغدغه‌مند، بصیر و کوشا نسبت به آرمان‌های جامعه‌اش بوده و به دور از دغدغه‌های افراط‌گرایانه مادی و نگاه ابزاری باشد؛ از لحاظ سازمانی، دانشجویی آگاه، توانمند و همسو با آرمان‌های سازمانی بوده، نسبت به رسالت دانشگاه و جایگاه و مسئولیت خود برای استفاده بهینه از فرصت‌های آموزشی در کلاس، کارگاه، دانشکده، پژوهشگاه و دانشگاه، به منظور ارتقای صلاحیت‌های خود و انجام مؤثر و کارآمد وظایف فعلی و آتی، به‌خوبی آگاه است؛ جایگاه و ظرفیت ارزشمند تعامل سازنده با دیگر دانشجویان، استادان و محیط پیرامون را درک کرده و در این راه، خودشکوفای، خودراهبر، خودارزیاب و ارزش‌آفرین است؛ از لحاظ اجتماعی با حضور در مجامع علمی و علم‌آموزی مادام‌العمر منشأ اثرات و برکات اجتماعی مفیدی باشد و از لحاظ گروهی، مشتاق و توانمند به انجام کار گروهی، از توانمندی مدیریت تعارض و روابط بین فردی و حل مسائل گروهی برخوردار است؛ در شکل‌گیری گروه‌های کارآمد دانش‌بنیان و کارآفرین، کوشا، پیشگام و مؤثر بوده و در گروه‌های علمی خودجوش و فداکار برای تحقق هدفی معین و ارزشمند، مشتاقانه مشارکت داشته و به فعالیت‌های فرانشش بپردازد».

استادی دارای نشاط و پویایی علمی است که: «به لحاظ فردی دارای سلامت جسمی، معنوی، اجتماعی و روان‌شناختی، شایستگی‌های حرفه‌ای، عشق به پیشرفت و خدمت،

برون‌گرایی، دلسوزی، علاقه‌مندی به آموزش، هدفمندی، اطلاعات علمی روزآمد، فروتنی علمی، سرسپردگی علمی، انعطاف‌پذیری منطقی، اشرافیت علمی و توانایی اجرای روش‌های نوین تدریس، کیفیت‌گرایی و پژوهش‌گرایی و مسئله‌محور باشد؛ به لحاظ **گروهی**، از توانمندی مدیریت تعارض و روابط بین فردی و حل مسائل گروهی برخوردار است؛ در شکل‌گیری گروه‌های کارآمد دانش‌بنیان و کارآفرین، کوشا، پیشگام و مؤثر بوده؛ در قالب تیم‌های خودجوش و فداکار برای هدفی معین و ارزشمند، مشتاقانه مشارکت داشته و به فعالیت‌های فرانش می‌پردازد؛ از لحاظ **سازمانی**، عضوی متعهد، هوشیار، ساعی و همسو با مأموریت، چشم‌انداز و اهداف سازمانی بوده و تمام تلاش خود را برای استفاده بهینه از منابع و ظرفیت‌های موجود به منظور ارزش‌آفرینی و تولید ثروت برای سازمان خود به کار می‌بندد؛ از صلاحیت‌های نظیر راهنمایی و مشاور سازنده، مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی، کارآمدی، ارتباط سالم و بالنده بین فردی، بین گروهی و بین بخشی؛ توانمندی در تدریس اقتضایی و خلق فرصت‌های آموزشی و پژوهشی بدیع، روحیه مشوق و برانگیزاننده در راستای اهداف متعالی، نگرش مثبت به دانشجو، همکاران و شهروندان برخوردار بوده؛ یادگیرنده‌ای مادام‌العمر و دانشجو‌محور است؛ و از لحاظ **اجتماعی**، شهروندی متخصص، متعهد، دغدغه‌مند و کوشا نسبت به آرمان‌های جامعه‌اش، وطن‌پرست، حساس و بصیر به مسائل پیرامون خود، مشارکت‌کننده‌ای مسئولیت‌پذیر و پاسخگو نسبت به نیازهای ذینفعان و جامعه باشد.

اما **محتوای درسی** بانشاط و پویا به لحاظ علمی، براساس یافته‌های این پژوهش این‌گونه تعریف می‌شود:

«**محتوای علمی فاخر** که روزآمد، کاربردی، اصیل، خلاقانه و غیر کلیشه‌ای، شامل مباحث نظری و عملی متناسب با رشته تخصصی، فرهنگ و نیاز جامعه بوده، خلاقیت و ایده‌پردازی را برانگیزد».

فرایند یادگیری - یاددهی بانشاط و پویا به لحاظ علمی، عبارت است از: «فرایند یادگیرنده محور هدایت‌شده‌ای که دانشجو محور، عملکردی، فعال، برانگیزاننده، رشددهنده، مبتنی بر فناوری‌های نوین، متنوع، شاداب و مهیج، تسهیل‌گر، مشارکتی، خلاقانه، بین‌رشته‌ای و هدفمند باشد».

تکلیف بانشاط و پویا به لحاظ علمی نیز عبارت است از: «تکلیف اصیل و عملکردی که متناسب، اشتیاق برانگیز، مسئله‌محور، خلاقانه، آموزشی - پژوهشی، کاربردی، مبتنی بر نیاز دانشجو، جامعه و پیشرفت‌های علمی و فناوری، پاسخگو به پرسش ذهنی دانشجو، مطالبه شده، همدلانه و همراه با بازخورددهی مناسب باشد».

یافته‌های حاصل از تحلیل فرامتنی داده‌های این مطالعه باهدف پاسخ به پرسش سوم این پژوهش نیز حاکی از این مطلب است که به نظر می‌رسد، عناصر تأثیرگذار و پیشنهاد شده از سوی مشارکت‌کننده در زمینه نشاط و پویایی علمی، با تناسب‌های متفاوت، مبتنی بر سه پارادایم اثبات‌گرایی، تفسیری، انتقادی قابل طرح و بررسی است.

۲. عناصر تأثیرگذار و پیشنهاد شده در زمینه نشاط و پویایی علمی

۲-۱. پارادایم اثبات‌گرایی (پوزیتیویستی)

این پارادایم در نگاهی جزءنگر، تأییدگرا، عینیت‌گرا، برون‌زا، کمیت‌گرا و مادی‌گرا به پدیده نشاط و پویایی علمی رخ می‌نماید و تعریف‌ها، وظایف و عملکردها را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. از دریچه نگاه اثبات‌گرایی، پدیده نشاط و پویایی علمی: ماهیتی مادی، عینی و ملموس دارد؛ با کمترین خطا قابل اندازه‌گیری است؛ میزان برآورد شده نشاط و پویایی علمی در دانشگاه‌ها و مراکز علمی عینی و به دور از خطا و اریب است؛ با سایر پدیده‌های طبیعی مثل سیل و طوفان یکسان است؛ نگاه جزءنگر و اتمیک به این پدیده یعنی مطالعه اجزا و اثرگذاری اجزا برابر است با کلیت کار؛ ماهیتی کشف‌شدنی دارد و راه‌های شکل‌گیری این پدیده را از طریق فرضیه‌آزمایی و کنکاش در دانش و نظریه‌های موجود، بدون نیاز به رجوع به تجارب فرهیختگان دانشگاهی را قابل شناخت می‌داند؛ ارزش‌ها را در افت یا بروز پدیده نشاط و پویایی علمی در دانشگاه‌ها و مراکز علمی بی‌تأثیر دانسته، لذا راهکارهای ارزشی در تقویت این پدیده را مورد توجه قرار نمی‌دهد؛ شکل‌گیری نشاط و پویایی علمی در دانشگاه‌ها و مراکز علمی را بدون اثرپذیری از دولت‌ها، محیط اجتماعی و پیرامونی امکان‌پذیر می‌داند؛ بین نشاط و پویایی علمی، نشاط و پویایی عمومی و تعامل پیرامونی رابطه منطقی وجود ندارد؛ تجارب زیسته استادان و دانشجویان در شکل‌گیری یا افت نشاط و پویایی علمی در دانشگاه‌ها و مراکز علمی را بی‌اثر یا کم‌اثر می‌داند.

۲-۲. پارادایم تفسیری

این پارادایم در نگاهی کل‌نگر، اصالت‌گرا، درون‌زا، کیفیت‌گرا، معناگرا و اکتشافی رخ می‌نماید و تعریف‌ها، وظایف و عملکردها را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

از دریچه نگاه تفسیری پدیده نشاط و پویایی علمی: ۱. ذهنی و غیرمادی است؛ ۲. ساخت‌پذیر است و از طریق تعامل سازنده بین افراد ایجاد می‌شود؛ ۳. اثر زمینه و تجارب زیسته استادان و دانشجویان در چگونگی شکل‌گیری یا افت نشاط و پویایی علمی در مراکز علمی و دانشگاه‌ها غیرقابل‌انکار است؛ ۴. این پدیده از منظر استادان و دانشجویان تفسیرپذیر است بدین‌معنا که هر کس نگاه متفاوت، تعریف مجزا و تعبیر متفاوتی از نشاط دارد و آن را کاملاً

طبیعی می‌داند؛ ۵. ارزش‌ها به‌ویژه کیفیت روابط انسانی بین استادان و دانشجویان و مدیران، از مؤثرترین مؤلفه‌ها در پدیده نشاط و پویایی علمی هستند؛ ۶. اگر دولت‌ها و دولتمردان به‌عنوان کنشگرانی اثرگذار، با تمامی عناصر دانشگاهی به‌گونه‌ای مناسب همزیستی نمایند، عملاً می‌توانند در شکل‌گیری یا افت این پدیده مؤثر باشند.

۲-۳. پارادایم انتقادی

این پارادایم در نگاهی جزءنگر، عینیت‌گرا، برون‌زا، کمیت‌گرا و مادی‌گرا، تحول طلب رخ می‌نماید و تعریف‌ها، وظایف و عملکردها را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

از دریچه نگاه انتقادی پدیده نشاط و پویایی علمی: ۱. به‌دلیل سیطره و استیلای ارزش‌ها و قدرت‌های حاکم در شکل‌گیری یا افت آن، دارای ماهیتی مادی و مستقل از افراد است؛ ۲. فقط با دگرگونی یا تحول بنیادین محقق می‌شود؛ ۳. استادان و دانشجویان و کارکنان دانشگاهی فقط از طریق رویکرد انقلابی، مشارکت‌دهی و توانمندسازی قادر به استیفای حق نشاط و بالندگی از دست‌رفته هستند؛ بنابراین تحول صرفاً با مشارکت‌دهی تمامی عناصر دانشگاهی و توانمندسازی آنها در دگرگون کردن شرایط، حاصل می‌شود؛ ۴. ارزش‌ها و قدرت‌های حاکم در ارتقاء یا افت نشاط و پویایی علمی نقش اساسی دارند.

۳. آسیب‌شناسی مراکز علمی و دانشگاهی کشور

یکی از آسیب‌های جدی پیش روی مراکز علمی و دانشگاهی کشور، فقدان وجود تعریفی روشن از پدیده نشاط و پویایی به‌طور عام و نشاط و پویایی علمی به‌طور خاص است که موجب می‌شود هر فردی از ظن خود و با باور به وجود یا نبود نشاط در مراکز علمی و دانشگاهی کشور، با این پدیده یار شود و از نگاه خود بدان نگرسته، در راستای تحقق نشاط و پویایی علمی مدنظر خود گام بردارد. این آسیب در نقطه‌ای به‌صورت اولویت اول مطرح می‌شود که شریان حیاتی و نبض فعال علمی کشور، یعنی کیفیت فعالیت‌های مراکز علمی و دانشگاهی را به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم تحت تأثیر قرار می‌دهد.

نبود اجماع نسبت به تعریفی مشخص از پدیده نشاط و پویایی علمی، فقدان بسترهای نظری لازم در این حوزه و ترسیم‌نشدن مسیر و نقشه ممکن و مطلوبی از آن، عامل مهم و اثرگذار بر سلیقه‌ای و جزیره‌ای شدن برخورد مسئولان با این پدیده بسیار مهم در مراکز علمی و نظام آموزش عالی کشور شده است. به نظر می‌رسد، نمی‌توان از سیستم و عناصر سیستمی مراکز علمی و دانشگاهی، به‌ویژه نظام آموزش عالی کشور که تعریفی شفاف و تصویری روشن و قابل اجماع از افق و چشم‌انداز مدنظرشان در پدیده نشاط و پویایی علمی، ندارند- تا به‌عنوان نقشه راه و اصلی مسلم در حرکت حداکثری، هر سازمان به سمت پیشرفت، هر لحظه خود را با

آن تنظیم کرده و بر مبنای آن پیشرفت، سکون یا پسرقت خود و سیستم را ارزیابی نموده برای بهبود و اصلاحش تلاش نمایند- انتظار داشت که بدون قطب‌نما و اجماع و باور نسبت به آن، کاستی‌ها و عقب‌ماندگی‌ها را جبران کرده؛ از درگیری‌های ضمنی و آشکار ناشی از نبود تعریف و اجماع بر مصداق روشن از ماهیت و چیستی نشاط و پویایی در مراکز علمی کاسته؛ مسیر تحقق جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم را با کمترین مخاطره‌های ممکن و با سرعتی نامایی بپیمایند. این امر ضرورت مطالعه‌ای گسترده و ژرف را در این حوزه برای زمینه‌سازی، شکل‌گیری و باور به تعریفی شفاف و قابل اجماع از ماهیت و مصادیق نشاط و پویایی علمی نزد تمامی ارکان و عناصر نظام آموزشی را دوچندان می‌کند.

باتوجه به تلاش‌های مخلصانه برخی استادان، دانشجویان و دغدغه‌مندان نظام آموزش عالی کشور، شاهد رشد فزاینده تولید علم و مقالات علمی مطرح در سطح جهانی و بهبود وضعیت کشور در رقابت با سایر کشورهای منطقه و جهان اسلام هستیم، اما آنچه اکثریت قریب به اتفاق نخبگان، آگاهان و دغدغه‌مندان این حوزه بدان اذعان دارند و یافته‌های این پژوهش نیز آن را تأیید می‌کند اینکه نوعی فقدان اجماع و باور نسبت به چشم‌انداز، مقصد و مسیر حرکت در مراکز علمی و دانشگاهی کشور دیده می‌شود و نشاط و پویایی علمی مطلوب به دلیل مشخص نبودن تعریف و سازوکار آن، اغلب به اندازه‌ای که نیاز بوده و انتظار می‌رود، تحقق نمی‌یابد و در صورت تحقق، مقطعی، سلیقه‌ای و جزیره‌ای بوده و تداوم مورد انتظار را ندارد. در این راستا، شریف و شبگومونصف (۱۳۹۰) بر این باورند که: «وضعیت فعلی کشور، رویداد افت تحصیلی دانشجویان در دانشگاه‌ها و موضوع فرار مغزها (یا فقدان تلاش کافی برای جذب مغزها)، شاخص‌های مثبتی در بخش ارزش‌گذاری اهمیت و منزلت علم، به‌شمار نمی‌آیند. الگوهای علمی و دانشگاهی در جامعه، آسیب‌پذیر شده‌اند و دانشگاه‌ها بیشتر به‌منزله مراکزی برای صدور مدرک دانشگاهی، مورد توجه قرار گرفته‌اند؛ ورودی‌های سیستم نظام آموزش عالی کشور با توجه به آسیب‌هایی که به ارزش و جایگاه علمی در جامعه وارد آمده‌است، آسیب دیده‌اند و بدون انگیزه کافی برای یادگیری نیز نمی‌توانند به خروجی‌های مطلوب و مورد نیاز توسعه در کشور تبدیل گردند (شریف و شبگومونصف، ۱۳۹۰: ۱۰).

به نظر می‌رسد، وجود نگاه جزیره‌ای و سلیقه‌ای به عوامل مؤثر در بروز افت نشاط و بالندگی، نبود نظام منسجم تشویق مبتنی بر کیفیت عملکرد دانشجویان، فرهیختگان و استادان دانشگاهی، غلبه رویکرد اثبات‌گرایی در تدوین ملاک‌ها و نشانگرهای ارزیابی عملکرد فرهیختگان و به‌ویژه بروز پدیده جابه‌جایی هدف- وسیله با برجسته‌کردن مقاله‌نویسی در مجلات نمایه‌شده در پایگاه اطلاعات علمی (ISI) بدون توجه به اصالت، اثرگذاری و ارزش‌آفرینی

آثار علمی منتشرشده، نقش موثری را در کاهش بالندگی و نشاط داشته است. این امر ضرورت تدوین الف) چارچوبی نظام‌مند، منعطف و به‌روز برای شناسایی معیارها، ملاک‌ها و نشانگرهای دانشگاه پیشرفت محور اسلامی - ایرانی و استقرار نظام جامع تصمیم، اقدام، ارزشیابی و تشویق مبتنی بر آن در دانشگاه‌ها و مراکز علمی؛ ب) تدوین چارچوبی برای شناسایی موانع و تقویت فرهنگ مطالبه‌گری پیشرفت در دانشگاه و استقرار نظام مبتنی بر آن در دانشگاه‌ها و مراکز علمی و ج) تدوین چارچوبی برای شناسایی مصادیق پیشرفت اسلامی - ایرانی به تفکیک دانشجویان، اعضای هیئت علمی و کارشناسان و استقرار نظام تصمیم، اقدام، ارزشیابی و تشویق مبتنی بر آن در دانشگاه‌ها و مراکز علمی، با محوریت نظام کیفی و جامع نشانگرها و تعدیل فرهنگ مبتنی بر رویکردهای اثبات‌گرایی را بیش‌ازپیش به ذهن متبادر می‌سازد.

در پژوهش حاضر، تلاش شد مبتنی بر نکات مشترک برآمده از تحلیل تجارب زیسته نخبگان دانشگاهی، تعاریف اولیه‌ای از مفاهیم پدیده نشاط و پویایی علمی فردی، سازمانی و اجتماعی و دانشجو، استاد، محتوای درسی، فرایند یادگیری - یاددهی و تکلیف پویا و بانشاط علمی تدوین شده و ارائه شود.

نگارندگان این پژوهش در پژوهش دیگری با رویکرد آسیب‌شناسانه مفهوم نشاط و پویایی علمی را «حالتی از رضایت و سرخوشی درونی که به فعالیت مضاعف علمی در فرد، گروه، سازمان و اجتماع بینجامد» (محمدزاده و صالحی، ۱۳۹۴) تعریف کرده‌اند و بر این باورند که نشاط حالتی روانی و درونی است و پویایی پیامد و نمود بیرونی نشاط است و هر دو در آنها در چرخه‌ای تکرارشونده علت و معلول دیگری هستند. از آنجاکه پویایی به‌عنوان پدیده‌ای چندبعدی، نمود بیرونی نشاط است؛ بنابراین، نگارندگان بر این باورند که پویایی علمی را نیز می‌توان در چهار سطح فرد، گروه، سازمان و اجتماع مورد بررسی قرار داد. بر این اساس، «پویایی علمی فردی را می‌توان اشتیاق و علاقه‌مندی فرد به مطالعه مستمر، پژوهش، یادگیری مادام‌العمر، حق خواهی، حق‌گستری، نقدپذیری، آینده‌نگری، ارزش‌آفرینی، اثرگذاری مولد و اثرپذیری ارزشمند در دانشگاه، جامعه و جهان دانست و پویایی علمی تیمی را می‌توان بر خورداری از اشتیاق، پیشگامی، علاقه‌مندی و استقبال از مشارکت موثر و مولد در شکل‌دهی، شکل‌گیری، بهبود و همکاری در گروه‌های دانش‌بنیان، کارآفرین، ایده‌پرداز و فعالیت‌های فرانشی برای حضوری ارزش‌آفرین، حق‌محور و تعالی‌بخش در گروه‌های علمی خودجوش و فداکار برای تحقق هدفی معین و ارزشمند، تعریف کرد». همچنین پویایی علمی سازمانی را حرکتی هماهنگ، هم‌جهت و پرشتاب نظام آموزشی در راستای اهداف علمی و آموزشی تعیین‌شده از سوی اسناد بالادستی؛ نهادینه‌سازی فرهنگ مدیریت دانش، یادگیری سازمانی و

تلاش برای تحقق سازمان یادگیرنده؛ ایجاد ارزش افزوده سازمانی و مدیریت مؤثر و یکپارچه سازی روندهای حرکتی فردی، گروه و سازمانی؛ و «پویایی علمی اجتماعی» را دغدغه، اشتیاق و ارج نهادن برای مشارکت‌دهی فرهیختگان، دانشجویان، استادان و سایر ارکان دانشگاهی و حوزوی در مسائل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، آموزشی و اجتماعی، بهره‌مندی از فرصت‌ها، ظرفیت‌ها و مزیت‌های دانشگاه، حوزه، مراکز علمی و فرهیختگان و رفع مشکلات اجتماعی به منظور زمینه‌سازی برای تحقق آرمان جامعه شایسته‌پذیر، حق‌مدار و دانشگاه جامعه‌محور از طریق ارزش‌آفرینی، تولید ثروت، اقتدارآفرینی ملی و بین‌المللی و تعامل‌سازنده در اثرپذیری و اثرگذاری متقابل، معنا کرد» (محمدزاده و صالحی، ۱۰:۱۳۹۴).

تحلیل فرامتنی داده‌های این مطالعه با هدف پاسخ به پرسش سوم این پژوهش و با الهام از پارادایم‌های سه‌گانه و رایج در مطالعات پژوهشی که به عنوان مبانی پایه در انجام مطالعات پژوهشی در مراکز علمی مورد توجه است، منجر به طبقه‌بندی بسترهای فکری مشارکت‌کنندگان در تبیین پدیده نشاط و بالندگی و ارائه راهکارهای پیشنهادی برای برون‌رفت از آن شد.

نگاره شماره (۱) - جهت‌گیری‌های ذهنی

پارادایم	نوع نگاه	فراوانی	فراوانی کل
اثبات‌گرایی	جزء‌نگر	۱۲	۶۶
	تأیید‌گرا	۱۴	
	عینیت‌گرا	۱۲	
	برون‌زا	۶	
	کمیت‌گرا	۱۰	
	مادی‌گرا	۱۲	
تفسیری	کل‌نگر	۱۰	۵۲
	اصالت‌گرا	۱۰	
	درون‌زا	۶	
	کیفیت‌گرا	۱۰	
	معناگرا	۱۰	
	اکتشافی	۶	
انتقادی	جزء‌نگر	۱۲	۵۳
	عینیت‌گرا	۱۲	
	درون‌زا	۶	
	کمیت‌گرا	۱۰	
	مادی‌گرا	۱۲	
	تحول طلب	۲	

(منبع: برگرفته از تعاریف مطرح‌شده توسط مشارکت‌کنندگان)

یافته‌های حاصل از پرسش سوم پژوهش حاضر همسو با نتایج پژوهش‌های دیگری است که غلبه پارادایم اثبات‌گرایی بر جامعه علمی کشور را تأیید می‌کنند. *لطف‌آبادی، نوروزی و حسینی*

(۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی آموزش روش‌شناسی پژوهش در روانشناسی و علوم تربیتی در ایران» به‌صراحت اعلام کرده‌اند: «این یافته به‌روشنی نشان می‌دهد که ۹۶ درصد پژوهش‌های مقالات روان‌شناسی مجلات علمی - پژوهشی ایران بر اساس فلسفه استقراگرایی (از نوع تحصیلی) صورت گرفته‌اند» (لطف‌آبادی، نوروزی و حسینی، ۱۳۸۶: ۱۲۵) و این خود بیانگر این مطلب است که هرگونه حرکتی در راستای تحقق پویایی و نشاط علمی در سطح مراکز علمی و دانشگاهی کشور، بدون توجه به عمق و بسترهای فکری سرمایه‌های انسانی این مراکز، به نتایج مطلوب و مورد انتظار منتهی نخواهد شد، بنابراین همانطور که در بخش راهبردها و پیشنهادها، دوباره تأکید خواهد شد، نیاز به ایجاد تحول در نوع نگاه و پارادایم فکری حاکم بر مجامع علمی کشور بیش از هر اقدام دیگری، ضروری به نظر می‌رسد.

در نگاره شماره (۲) مشاهده می‌شود، ۱۲۲ عبارت کلیدی استفاده‌شده از سوی مشارکت‌کنندگان از حیث نوع نگاه در ۱۵ گروه جزءنگر (۱۲ نفر)، کل‌نگر (۱۰ نفر)، فرایندی (۱۶ نفر)، سیستمی (۶ نفر)، تأییدگرا (۱۴ نفر)، عینیت‌گرا (۱۲ نفر)، اصلت‌گرا (۱۰ نفر)، درون‌زا (۶ نفر)، برون‌زا (۶ نفر)، کمیت‌گرا (۱۰ نفر)، کیفیت‌گرا (۱۲ نفر)، مادی‌گرا (۱۲ نفر)، معناگرا (۱۰ نفر)، اکتشافی (۶ نفر) و تحول‌طلب (۲ نفر) طبقه‌بندی شد و در نهایت ذیل سه پارادایم مطرح و مورد استفاده در مجامع علمی قرار گرفت. نگاره شماره (۲) به‌وضوح نشان می‌دهد که اکثریت دیدگاه‌های مطرح‌شده از سوی مشارکت‌کنندگان مبتنی بر پارادایم اثبات‌گرایی است و پارادایم‌های انتقادی و تفسیری با فاصله به‌نسبت زیادی، بعد از آن قرار دارند. نگاره شماره (۲) پرسش‌ها و یافته‌های پژوهش را به‌تصویر می‌کشد.

نگاره شماره (۲) - پرسش‌ها و یافته‌های پژوهش

پرسش ۱. تعریف پدیده نشاط و پویایی علمی در مراکز علمی و دانشگاهی از منظر نخبگان دانشگاهی دارای چه ویژگی‌هایی است؟

بیانات مشارکت‌کنندگان	مقوله‌ها و زیرمقوله‌ها
<p>فردی: داشتن حس سرخوشی، مثبت‌نگری، خوشحال بودن و تلاش برای رسیدن به هدف‌های مدنظر فرد انگیزه و اشتیاق درونی به علم‌آموزی تحرك علمی و عملی، مولدبودن و تولید علم مهارت‌های برقراری روابط سالم و بهینه جرأت‌مندی پرسش‌سوالات و جستجوی نادانسته‌ها داشتن حس کنجکاوی هدفمند و نظام‌مند و فرآیند مدار</p>	<p>مقوله فردی هدف‌مندی در زندگی سلامت روان‌شناختی (مثبت‌نگری، رضایت از خود، خودشکوفایی، کنجکاوی، جرأت‌مندی و...) باور و انگیزه پیشرفت فردی انتخاب رشته صحیح (علاقه و استعداد) سلامت جسمی تمایل و علاقه پیشروی در تولید علم کسب مهارت (علمی و ارتباطی) سلامت شخصیت و اجتماعی (تواضع و فروتنی،</p>

<p>علاقه‌مندی به پژوهش اطلاعات علمی بروز تواضع و فروتنی علمی و شخصیتی انجام طرح‌ها و تکالیف درسی باهدفی فراتر از نمره و رفع تکلیف کلاسی فعالیت‌کردن در حوزه علمی (جستجوی منابع علمی، بحث‌کردن) و در مورد موضوعات تحقیقی (نقدکردن خواندن‌ها و شنیدن‌ها) پایبندی به اخلاق علمی و حرفه‌ای و پرهیز از ریاکاری و عدم صداقت علم‌آموزی، مهارت‌آموزی و متخصص پروری سازمانی: فعال‌بودن تمامی عناصر سیستمی و سازمانی تبیین روشن اهداف و خط‌مشی‌های مراکز آموزش عالی در راستای رشد و پیشرفت علمی کشور برنامه‌ریزی عملیاتی منسجم، گام‌به‌گام و از پیش تعیین‌شده بهره‌مندی از رویکردهای جدید آموزشی (سازه‌گرایانه، آموزش عملکردی و آموزش اصیل) پایبندی به اخلاق حرفه‌ای و علمی (تفاهم، احترام متقابل، صداقت و ...) پایبندی به اصول آزادی بیان و اندیشه پرهیز از نگاه مادی‌گرایانه در عوامل دانشگاهی و مدرک‌گرایی در دانشجویان مسئله‌محور بودن پژوهش‌های دانشجویی و تبدیل آنها به کاربرد و حل مسائل اجتماعی اولویت‌دادن به بارش فکر و تعامل فکری اولویت‌شدن درس خواندن و مدرک‌گرفتن در جامعه پایبندی به عدالت و شایسته‌گزینی و شایسته‌سالاری ایجاد نشاط در افراد کم‌کار با تشویق افراد پرکار احساس عطش و تشنگی و مطالبه برای عرضه بیشتر اجتماعی: بسترسازی اجتماعی برای پژوهش‌محوری (افزایش ساعات کار کتابخانه‌ها، فراهم‌سازی وسایل و امکانات مطلوب آموزشی، فراهم‌سازی فضای آرام تدریس و یادگیری و غیره) برگزاری همایش‌ها، کارگاه‌های آموزشی، سمینارها و انتشار محصولات دانشگاه در مجلات معتبر ملی و بین‌المللی بهره‌مندی از علوم دانشگاهی برای رفع مشکلات اجتماعی پیوند دانشگاه با صنعت و تجارت تربیت سرمایه‌های اجتماعی همگن، لایق و شایسته ارتقاء جایگاه اجتماعی استادان و بهره‌مندی دولت</p>	<p>اخلاص، پشتکار و روابط سالم و ...) اخلاق محوری فردی توانمندسازی شایستگی‌ها مقوله سازمانی فعالیت هدف‌مندی و تدبیر شفافیت معیارها، ملاک‌ها و شاخص‌های عملکرد پیشروبودن در تولید علم رعایت اخلاق علمی و حرفه‌ای استقلال معناگرایی مسئله‌محوری فعالیت‌های علمی اصیل‌بودن و اولویت‌بندی مسائل شایسته‌گزینی، شایسته‌سالاری و شایسته‌داری وجود نظام مشوق سازمانی مبتنی بر عملکرد نه حضور یا سابقه کار وجود فرهنگ مطالبه‌گری پیشرفت مقوله اجتماعی: فرهنگ‌سازی آسایش تجهیزاتی تعامل ملموس علمی و روزآمد نیازسنجی اصلاح اجتماعی سرمایه اجتماعی رفعت جایگاه علم، عالم و معلوم در جامعه آگاهی اعضای تیم نسبت به رسالت‌ها، چشم‌انداز و اهداف تعریف و تصریح نحوه و کیفیت ارتباط اعضای تیم وجود سرمایه اجتماعی در تیم برقراری تعامل سازنده بین اعضای تیم اعتماد، توکل و باور اعضای تیم به موفقیت در سایه تلاش ارزش تلقی شدن تنوع تفکر و آراء در مرحله ایده‌پردازی و اجماع در مسیر و اجرا</p>
--	---

<p>از نظرات استادان و عالمان تیمی: ایجاد شبکه‌های از الزامات و وظایف و اطلاع‌رسانی شرح وظایف و گرفتن تعهد خدمت صحیح در کارگاه‌های آموزشی انتخاب سرمایه‌های انسانی همگن مهارت‌های برقراری روابط سالم و بهینه داشتن حس سرخوشی، مثبت‌نگری، خوشحال بودن و تلاش برای رسیدن به هدف‌های مدنظر فرد آزادی بیان و اندیشه</p>	
--	--

پرسش ۲. مصادیق نشاط و بالندگی به تفکیک عناصر آموزشی از منظر مشارکت‌کنندگان چیست؟

<p>دانشجو: فعال و محقق و جویای علم و مشارکت داوطلبانه در مباحث کلاسی فعال، پرانرژی و یادگیرنده حضور به موقع در کلاس با مطالعه و آمادگی قبلی رجوع به منابع دیگر و بررسی و تحلیل جدیدترین یافته‌های مرتبط با موضوع درسی مشارکت فعال در بحث‌های علمی کلاس تعامل علمی با استاد نگاه کاربردی به آموخته‌ها و کارآفرینی و نوآوری در اجتماع خودارزیابی کیفی و پرهیز از مدرک‌گرایی در جستجوی علم با انرژی فراوان پیروی از مقررات دانشگاه حضور در میادین علمی با شور و شوق داشتن تبادل اطلاعاتی با دوستان و دنیای بیرون و درون داشتن علاقه به علم و استاد حضور با اشتیاق در کلاس درس حضور در تمام فعالیت‌های علمی، دانشگاهی و تفریحی دانشجو انگیزه و شوق به دانشگاه آمدن داشته باشد دانشجو محقق و پژوهشگر علمی و به دنبال پرسش‌ها خود است با استاد تبادل اطلاعات می‌کند و از استاد ترس ندارد پژوهش‌های جدید و به‌روز دارد پرتلاش و بانگیزه که اهل کار تیمی هستند با توجه به امکانات موجود دانشجو دستش بازتر است تسلط دانشجو به زبان انگلیسی برای بهره‌مندی از منابع الزامی است</p>	<p>فردی: سلامت جسم و روان کیفیت علمی و اخلاقی هدفمندی نظم علاقه و جستجوگری علمی مجهز به پیش‌نیازهای علمی لازم مسلط به زبان انگلیسی خلاق و کارآفرین نگاه کیفی و کاربردگرا نگاه نقادانه فارغ از دغدغه‌های مادی فارغ از نگاه ابزاری به علم سازمانی: کار تیمی تعامل سازنده با پیرامون خودشکوفا خودراهبر خودارزیاب اجتماعی: حضور در مجامع علمی علم‌آموزی مادام‌العمر اثرگذار اجتماعی گروهی: آگاهی به تفاوت کار تیمی و گروهی شروع خودجوش فداکاری فعالیت برای هدف معین فعالیت فراتر از هدف</p> <p>سلامت جسم، روان و شخصیت</p>
--	--

کیفیت علمی و اخلاقی دارد هدفش یادگیری، اندیشیدن و تولید و خدمت به جامعه خود است عاری از دلهره و اضطراب و ترس از آینده (اطمینان خاطر) طالب علم است و علم را به خودی خود دنبال می‌کند و نگاه ابزاری ندارد شجاع است و پرسشگر. حرفش را می‌زند و خود را در این چرخه علمی سهیم، ذی‌نفع و جزء سرمایه‌گذاران علم و دانش فرض می‌کند. دانشجو بداند کجا آمده، چه می‌خواهد و آینده‌اش چه می‌شود به رشته‌اش علاقه‌مند باشد تحقیقات را ببیند، بخواند و نقد کند در جلسات خارج کلاس شرکت و بحث کند یادگیری موضوعات را به پایان ترم موقوف نکند بعد از فراغت از تحصیل در جامعه مفید باشد باانگیزه، هدفمند، شجاع، کارآفرین مدرک‌گرا نیست تقلب نمی‌کند با فارغ‌التحصیل شدن از تحصیل فارغ نمی‌شود اهل تحقیق خلاق با استعداد است و چون استعداد هست، انگیزه بلافاصله عینیت پیدا می‌کند احساس تبعیض نمی‌کند و مشارکت حداکثری دارد احساس می‌کند در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها نقش دارد عدالت اجتماعی، شایسته‌سالاری و شایسته‌گزینی در جامعه را احساس کند اهل کار تیم است و تفاوت کار تیمی و گروهی را می‌داند نگرش گروهی دارد نه گروهی یعنی شروع خودجوش، فداکاری و فعالیت برای یک هدف ایفای نقش افراد بیش از وظایف‌شان استاد: دانشجو را با علم و دانش درگیر می‌کند به آموزش علاقه‌مند است راهنما و پاسخگوست ارائه طرح درس یا سیلابس جدید در هر نیمسال تحصیلی با توجه به محتوای درسی و سطح علمی دانشجویان: استفاده از منابع علمی جدید، اطلاع از آخرین سمینارها و همایش‌های داخلی خارجی در رشته خود تعامل علمی با دانشجو	شایسته، باهوش، عاشق برون‌گرا دلسوز علاقه‌مند به آموزش هدفمند اطلاعات علمی روزآمد فروتن علمی سرسپرده علمی انعطاف‌پذیر اشراف به روش‌های تدریس نوین آموزشی و اجرای آن کیفیت‌گرا پژوهش‌گرا سازمانی: راهنما و پاسخگو کارآمد دارای مهارت ارتباط بین فردی سالم مدرس اقتضایی مشوق و برانگیزاننده نگرش مثبت به دانشجو دانشجو محور اجتماعی: متخصص و متعهد وطن‌پرست حساس به پیرامون خود مسئولیت‌پذیر نسبت به جامعه گروهی: آگاهی به تفاوت کارگروهی شروع خودجوش فداکاری فعالیت برای هدف معین فعالیت فراتر از محتوای فاخر علمی: روزآمد اصیل کاربردی خلاقانه و غیر کلیشه‌ای نظری و عملی متناسب با فرهنگ و نیاز جامعه برانگیزاننده خلاقیت و ایده‌پردازی تناسب با رشته تخصصی یادگیرنده محور هدایت شده دانشجو محور عملکردی فعال برانگیزاننده
---	---

<p>توجه به سطوح بالای شناختی در تدریس و ارزشیابی نگرشی کیفی داشته باشد و خود یا دانشجو را در قیدوبند کمیت قرار ندهد با توجه به ویژگی‌های دموگرافیک کلاس نوآوری در تدریس به کار بندد تا موجب انگیزه و علاقه‌مندی بیشتر دانشجویان شود ایجاد زمینه برای عملیاتی و کاربردی شدن فعالیت‌های دانشجویان تا به ادامه و گسترش فعالیت ترغیب شود داشتن اشتیاق آموزش علم به دیگران اهمیت دادن به دانشجو به‌روز بودن علم و نداشتن سکون علمی درگیرکننده دانشجو با علم و دانش و پرهیز از اذیت دانشجویان ایجاد پرسش و انگیزه جستجوگری در دانشجو می‌کند سعی می‌کند دانشجو محرر باشد، نه استادمحور به دانشجو اهمیت می‌دهد برای وقت خود و دانشجو اهمیت قائل است در کلاس احساس خستگی ندارد به دانشجو بازخورد مناسب و به‌جا می‌دهد در دسترس بودن و کمک واقعی به دانشجو در خصوص مسائل علمی به دانشجو اهمیت می‌دهد دلسوز است به احتیاجات دانشجویان توجه دارد مشوق و برانگیزاننده فعالیت‌های بهتر و بیشتر در دانشجو است به دانشجو بها می‌دهد، کارها را تحمیل نمی‌کند و دست او را باز می‌گذارد تا خودش برسد مشوق دانشجویان در زمینه پژوهش متخصص و متعهد و فراتر از موقعیت‌های کلاس و تدریس سعی در تعالی در ابعاد اخلاقی، علمی و سایر ابعاد دارد تمرکز بر مسائل علمی تا مسائل فردی، شخصی و اجتماعی خضوع، خشوع و فروتنی علمی دارد اگر نمی‌داند، راحت می‌گوید نمی‌دانم و تکبر و خست علمی ندارد به فکر تجاری بودن علم نیست در یادگیری‌اش دچار تعارض نیست و به آنچه خوانده و علم، اعتقاد و سرسپردگی دارد می‌داند علوم تجربی تابع اصول ابطال‌پذیری هستند، لذا انعطاف‌پذیر است در علوم انسانی این انعطاف‌پذیری را داشته باشد که نظریات برون‌گرا، جذب‌کننده و سالم است</p>	<p>رشددهنده مبتنی بر فناوری‌های نوین متنوع شاداب و مهیج تسهیل‌گر مشارکتی خلاقانه بین‌رشته‌ای هدفمند</p> <p>تکلیف اصیل و عملکردی متناسب برانگیزاننده خلاقانه آموزشی و پژوهشی کاربردی مبتنی بر نیاز دانشجو پاسخگو به پرسش‌های ذهنی دانشجو مطالبه شده همدلانه بازخورد دهی مناسب</p>
--	---

انسانی برون‌گراست
 خلاق و اکتیو است
 برانگیزاننده ایده‌های نو در دانشجویان است
 کارآمد است و دچار زنگ‌زدگی هیئت علمی نشده
 است
 شایسته‌ترین، باهوش‌ترین و عاشق‌ترین
 انسان‌هاست
 احساس تعلق به آب‌وخاک خود می‌کند
 احساس منزلت و مشارکت در امور کشور دارد
 اهل کار گروهی است و تفاوت کار گروهی را
 می‌داند
 نگرش گروهی دارد؛ یعنی شروع خودجوش،
 فداکاری و فعالیت برای یک هدف
 ایفای نقش افراد بیش از وظایف شان

محتوای علمی:

مباحث به‌روز علمی با منابع معتبر به‌نحوی که
 پیامدهای اجتماعی مشاغل یا مدارک مربوطه در
 نظر گرفته شود
 محتوای علمی به‌روز، جدید، اصیل و کاربردی باشد
 تولید بخشی از محتوای علمی موردنیاز تدریس در
 کلاس و در تعامل استاد و دانشجو
 به‌روز بودن و تکراری نبودن و در واقع معطوف به
 یک کتاب نباشد
 صرفاً نظری نباشد و قابلیت اجرا و عمل داشته
 باشد
 کارهای عملی و نظری در کنار هم است
 به‌روز است و تکراری نیست
 کاربردی بودن
 به‌روز بودن و همگام با علم روز دنیا
 تناسب زیادی با ارزش‌ها، هنجارها و نیازهای علمی
 و اجتماعی جامعه دارد
 به‌روز، علمی، تأثیرگذار و حلال مشکلات جامعه و
 کشور
 خلاقیت در محتوای علمی
 منجر به خلاقیت و نظریه‌پردازی و مطابق با فرهنگ
 و محیط بومی می‌شود
 متناسب با درس و رشته هم‌زمان شکل می‌گیرد

فرایند یاددهی - یادگیری:

یادگیرنده فعال و استادان با نقش راهنما
 بر اساس شیوه‌های جدید و نظریات سازگرای
 مشارکت فعال استاد و دانشجو و روند فعالیت‌های
 آموزشی یک‌سویه و منفعل نباشد.
 فعال و تبادل اطلاعات (دانشجو با دانشجو، استاد
 با دانشجو، دانشجو و استاد با دنیای واقعی و
 بیرونی) وجود داشته باشد

<p>عملکردی باشد فعال است؛ یعنی تبادل اطلاعات دانشجو با دانشجو، استاد با دانشجو و دانشجو با دانشگاه رشد علمی را به همراه داشته باشد برانگیزاننده بهره‌گیری از فناوری و تکنولوژی‌های جدید آموزش صحیح و بهره‌گیری از منابع داخلی و خارجی در فضایی شاداب و مهیج اتفاق بیفتد تسهیلگر، با تشریح مساعی و کار گروهی طی می‌شود روش‌ها کاملاً بروز، دانشجو محور و یادگیرنده محور است یاددهنده و یادگیرنده یکپارچه‌تر هستند؛ یعنی یاد دهنده افتخار می‌کند به یادگیرنده و یادگیرنده را ملاک سنجش کیفیت یاددهی‌اش قرار می‌دهد یادگیرنده محور و بدون یادگیرنده پوچ است خلاق، بین‌رشته‌ای و تفریحی</p> <p>تکالیف درسی: ارائه تکالیف درسی و کاربردی امری الزامی و غیرقابل چشم‌پوشی است تکالیف به‌اندازه مفید تکالیف درسی به گونه‌ای تعیین شوند که به خلق، تولید و یا اکتشاف یک اثر جدید توسط دانشجو منجر گردند. تکالیف منطبق با توان عملیاتی دانشجو، حالت یکنواخت و تکراری نداشته و از تنوع کافی برخوردار باشد تا دانشجو را در چالش‌ها و موقعیت‌های مختلف تمرین و یادگیری قرار دهد. به‌جا باشد و به علم دانشجو بیفزاید نه صرفاً دانش‌آموزی باشد و برای کسب نمره و رفع مسئولیت در حد توان و موقعیت دانشجو باشد افزایش علم و علاقه دانشجو به درس را به دنبال داشته باشد تکالیف با توجه به توانایی دانشجو باشد بازخورد مناسب راهنمایی به‌موقع تکالیف متوسط و کاربردی تکالیفی که برای پیشرفت دانشجو لازم است هرچند برای دانشجو یا استاد ایجاد زحمت کند انضباطی تعریف نمی‌شوند و دانشجو به دنبال تکلیف می‌گردد نوعی همدلی و همکاری بین استاد و دانشجوست خود دانشجو گردآوری مجموعه‌ای پرسش ذهنی را به عهده می‌گیرد به دلیل احساس عطش و تشنگی تکالیف از سوی</p>	
---	--

دانشجو مطالبه و طلبیده می‌شود عملی و کل کلاس دیده می‌شود و جزوه بخشی از کلاس است -	
---	--

پرسش ۳. مصادیق مطرح‌شده از منظر کلان، دارای چه جهت‌گیری‌هایی است؟

جزءنگر (۱۲ نفر) کل‌نگر (۱۰ نفر) عینیت‌گرا (۱۲ نفر) اصالت‌گرا (۱۰ نفر) درون‌زا (۶ نفر) برون‌زا (۶ نفر) کمیت‌گرا (۱۰ نفر) کیفیت‌گرا (۱۲ نفر) مادی‌گرا (۱۲ نفر) معناگرا (۱۰ نفر) تأییدگرا (۱۴ نفر) اکتشافی (۶ نفر) تحول‌طلب (۲ نفر)	پارادایم «اثبات‌گرایی، تفسیری، انتقادی» اثبات‌گرایی: جزءنگر، تأییدگرا، عینیت‌گرا، برون‌زا، کمیت‌گرا، مادی‌گرا تفسیری: کل‌نگر، اصالت‌گرا، درون‌زا، کیفیت‌گرا، معناگرا و اکتشافی انتقادی: جزءنگر، عینیت‌گرا، درون‌زا، کمیت‌گرا، مادی‌گرا و تحول‌طلب
--	--

فرجام

پژوهش حاضر به‌عنوان طلوع‌ای در تبیین پدیده نشاط و پویایی علمی در مراکز علمی و دانشگاهی کشور و با بهره‌مندی مستقیم از ادراکات و تجربه زیسته گروهی از دانشجویان و استادان که تجربه تحصیل یا تدریس در مراکز آموزش عالی و دانشگاهی در شمال، جنوب، شرق، مغرب و مرکز کشور و نیز تجربه حضور در دانشگاه تهران به‌عنوان دانشگاه مادر کشور را دارند، مواردی را در قالب پیشنهادهای راهبردی در مسیر ارتقای نشاط و پویایی علمی در مراکز علمی و دانشگاهی کشور پیشنهاد می‌کند:

ایجاد چرخش پارادایمی در مراکز علمی و دانشگاهی کشور. ایجاد تحول در نوع نگاه و پارادایم فکری حاکم بر مراکز علمی و دانشگاهی کشور به نحوی که پارادایم اثبات‌گرایی به پارادایم تفسیری تبدیل شود و پیامد آن در تمامی سطوح و ابعاد آموزش عالی کشور از عرصه‌های تصمیم‌سازی تا عرصه‌های عملیاتی و اجرا نمایان شود. به‌طور مثال شاخص‌های پذیرش دانشجو و استاد از شاخص‌های کمیت‌گرایانه فعلی به شاخص‌های کیفیت‌گرایانه و عملکردی تغییر ماهیت دهد.

لزوم تدوین نقشه و چشم‌انداز راهبردی نشاط و پویایی عمومی در جامعه. با هدف زمینه‌سازی برای تأثیر غیرمستقیم، اما بنیادین و پایدار بر نشاط و پویایی علمی حاکم بر مراکز علمی و دانشگاهی.

بازاندیشی و بازمهندسی فرایند نشاط و پویایی علمی. با هدف پرورش سرمایه‌های انسانی که از توانایی لازم برای تعامل سازنده با اندیشه‌ها متنوع و مسائل پیچیده را برخوردار بوده و قادر به خلق اندیشه‌های نو باشد.

تدوین نقشه و چشم‌انداز راهبردی توانمندسازی همه‌جانبه سرمایه‌های انسانی در نظام آموزش عالی کشور. نظیر دانشجو، استاد، کارکنان دانشگاه، معاونین و مدیران بالادستی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

تدوین و تبیین الگوی نظام آموزش عالی و دانشگاه اسلامی—ایرانی و ارائه تصویری روشن و واقع‌گرایانه از کمال مطلوب در حوزه نظر و عمل: در سایه الگوی تبیین‌شده، علم نافع از غیرنافع، دانشجو و استاد حقیقی از دانشجو و استاد غیرحقیقی، پژوهش حقیقی از پژوهش کاذب و تدریس و یادگیری مطلوب از غیر آن به‌روشنی متمایز شده و حرکت رو به رشد نظام آموزش عالی تسریع و تصریح می‌شود.

تبیین، تشویق، معرفی و حمایت از سبک زندگی علمی یک دانشجو و استاد موفق در کلیه سطوح (مربی، استادیار، دانشیار، استاد تمام و...)؛

شناسایی و حمایت از فرهیختگان در مراکز علمی و دانشگاهی. آنچه در حال حاضر شاهد آن هستیم، نگاه بروندادمحور به حمایت از فرهیختگان است که روشی حداقلی و آسیب‌زا به‌شمار می‌رود. امید می‌رود فراتر از نگاه غالب و خاطره‌انگیز اثبات‌گرایی به شناسایی فرهیختگان و آثار علمی (نظیر تعداد آثار)، رویه‌ها و فرایندهای حمایتی از چرخه نخبه‌پروری در مراکز علمی و دانشگاه‌ها ایجاد شود و افراد ساعی، مستعد و متعهدی که نشانه‌های اولیه نخبگی را داشته باشند، مورد حمایت جدی (نه فقط حمایت مالی و کمک‌هزینه) قرار گیرند. به نظر می‌رسد در حال حاضر در محیط‌های علمی، ملاک‌ها و شاخص‌های دقیق و کیفی و سازوکارها با ضمانت اجرایی بالا برای شناسایی و حمایت در فرایند شکل‌گیری نخبگی وجود نداشته یا مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. نبود یا عدم اجرای رویه شناسایی و حمایت جدی از نیازهای اساسی فرهیختگان بالقوه دانشگاهی، از علل اصلی افت نشاط و پویایی در فضاهای علمی و دانشگاهی است.

تجدیدنظر در نحوه تسهیلات و مزایای دانشجویان تحصیلات تکمیلی و به‌ویژه استادان جوان و برجسته. در کشورهای دیگر دکتری و فوق‌دکتری یک گزینه شغلی است و افراد به‌ازای تحصیل و انجام پروژه، درآمد کسب می‌کنند؛ روزانه در محیط علمی هستند و دغدغه‌هایشان به‌خوبی با آن حمایت پاسخ داده می‌شود، درحالی‌که در حال حاضر اغلب دانشجویان تحصیلات تکمیلی و به‌ویژه دکتری رها می‌شوند و دانشجو فقط به‌دنبال گذر از

شرایط برزخ تحصیلی است و کمتر فرصت به کیفیت می‌رسد و افت نشاط و بالندگی در این شرایط، طبیعی به نظر می‌رسد.

ارتقای جایگاه علم و عالم در جامعه از طریق ارتقای وضعیت رفاهی آنها و فرهنگ‌سازی و توجه به کیفیت به جای کمیت در هدف‌گذاری‌های نظام آموزش عالی کشور: اگر شخصیت فرد یا نهادی، گرفته شود یا به چالش کشیده شود از او تنها کالبدش می‌ماند. به نظر می‌رسد جایگاه علم و عالم در جامعه روزبه‌روز افول می‌کند و در اُفت نشاط و پویایی علمی به‌عنوان پیامدهای طبیعی اما منفی چنین شرایطی در مراکز علمی و دانشگاهی تقویت می‌شود.

لزوم تدوین نقشه و چشم‌انداز راهبردی در شایسته‌گزینی، شایسته‌پروری، شایسته‌داری استادان و دانشجویان و کارکنان در مراکز علمی و دانشگاهی.

نهادینه‌سازی فرهنگ شفافیت و پاسخگویی در دانشگاه و تدوین نظام جامع و مشارکتی ارزیابی عملکرد در نظام آموزش عالی و دوری از نظام‌های مدیریتی ارزیابی: شواهد نشان می‌دهد که برخی از ارزیابی‌های موجود در نظام آموزش عالی کشور، همسو با مصادیق ارزیابی کاذب است. به‌طور مثال از بهترین و موفق‌ترین استادان حمایت و تقدیر نمی‌شود و برعکس به کم‌کارها اخطار داده نمی‌شود و یا برایشان دوره آموزشی ضمن خدمت برگزار نمی‌شود. به‌عبارت‌دیگر ارزیابی به بهبود و تقدیر منتهی نمی‌شود و به‌تبع آن، نشاط و پویایی از سیستم رخت برمی‌بندد.

تعریف سازوکار تشویقی نظام‌مند پرداختی‌ها. دریافتی‌های استادان مبتنی بر تلاش و تولید علمی دارای ارزش افزوده نیست و دریافت‌ها تقریباً ثابت و ناهمسو با جایگاه یک مدرس دانشگاه، به‌ویژه استاد جوان است. از طرف دیگر، چون برای حداکثر و بالاتر از آن شرایط، سازوکار تشویقی و شناخته‌شده‌ای نیست یا اگر هست سازوکارش شفاف نیست و تلاش‌ها در حداقل متوقف می‌شود و افت نشاط در این شرایط طبیعی به نظر می‌رسد؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود دستور کار پرداخت حقوق و مزایا در دانشگاه‌ها با فاصله‌گرفتن از رویکرد کاملاً اثبات‌گرایی و کمی فعلی، مبتنی بر شایستگی‌ها و ارزش افزوده استادان تدوین و اجرا شود تا با ماهیت مراکز علمی سازگار و تضاد بارز فعلی برطرف شود؛

فراهم ساختن بسترهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری تولید علم. امکانات موجود برای تولید علم در دانشگاه‌ها ناچیز است و به‌لحاظ سخت‌افزاری و نرم‌افزاری وضعیت نامناسب است. **فضاسازی‌های جذاب و بانشاط در محیط مراکز علمی و دانشگاهی.** اکثر ساختمان‌های دانشگاهی قدیمی و کلاس‌ها، اتاق استادان، کتابخانه، راهروها، سلف و سایر

فضاها از لحاظ بصری فاقد جذابیت و فضا سازی‌های بانشاط هستند که این مسئله، خود می‌تواند سهمی قابل توجه در بروز خستگی روانی، فرسودگی شغلی، عدم تمایل به ماندگاری در محیط کار و طبیعتاً افت نشاط داشته باشد.

شناسایی ملاک‌ها، معیارها و نشانگرهای تقویت فرهنگ پیشرفت - محور در دانشگاه‌های کشور و استقرار نظام مبتنی بر آن در دانشگاه‌ها و مراکز علمی.

- پیشنهادها:

پیشنهاد می‌شود در مطالعات دیگری با رویکردی عمیق و دقیق: چگونگی تغییر و گذر از استیلای پارادایم اثبات‌گرایی در مجامع علمی به‌ویژه در حوزه علوم انسانی، با استفاده از رویکردهای مشارکتی، مورد کنکاش دقیق قرار گیرد. چارچوب مورد نیاز برای تدوین ملاک‌ها، معیارها و نشانگرهای ارزشیابی مقالات، پایان‌نامه و سایر آثار علمی، مبتنی بر رویکردهای کیفی، مورد بررسی قرار گیرد و راهکارهای مناسب پیشنهاد شود.

میزان تأثیر متغیرهای مؤثر بر نشاط و پویایی علمی در مراکز علمی و دانشگاهی نظیر شاخص‌های برآمده از پژوهش حاضر (هوش، جنسیت، ابعاد روانی و شخصیتی دانشجوی، علاقه دانشجوی به رشته تحصیلیش، سرانه بهینه تعداد دانشجویان هر کلاس و تعامل استاد و شاگردی) بررسی شود تا به پستوانه چنین پژوهشی راهکارهای پیشنهادی ذکر شده در بخش قبلی با قوت بیشتری مورد مطالبه مجامع دانشگاهی کشور قرار گیرد.

بایدها و نبایدهای توانمندسازی سرمایه‌های انسانی در نظام آموزش عالی و تحصیلات تکمیلی کشور در راستای ارائه طرحی عملیاتی شناسایی و تبیین شود.

مشکلات احساس شده در بافت بومی مراکز آموزش عالی کشور به روش اقدام‌پژوهی به مسئله تبدیل شوند تا رهاورد این مطالعات به بهبود موضعی و نهایی زخم‌های موجود بر پیکره نظام آموزش عالی کشور بینجامد.

منابع فارسی

- ابوالمعالی، خدیجه (۱۳۹۱)، *پژوهش کیفی از نظریه تا عمل*، تهران: علم.
- ابوالحسنی، خسرو و علیرضا نجاتی منفرد (۱۳۹۰)، *قدرت نرم و سرمایه نرم اجتماعی در سند چشم‌انداز، مطالعات قدرت نرم*، بسیج استادان کل کشور، پیش‌شماره ۲، ۲۰۸-۱۷۳.
- بازرگان، عباس (۱۳۹۱)، *مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته*، تهران: دیدار.

پورسردار، فیض‌الله، علی‌اکبر سنگری، ذبیح‌الله عباسپور و سهراب عبدی‌زرین (۱۳۹۰)، تأثیر شادی بر سلامت روانی و رضایت از زندگی: یک مدل روان‌شناختی از بهزیستی، *مجله علوم پزشکی دانشگاه کرمان*، دوره ۱۶، شماره ۱.

دلاور، علی (۱۳۹۲)، *روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی*، چاپ سی‌ونهم، تهران: ویرایش. رئیس، مرضیه، هدی احمدی طهران، سعیده حیدری، عصمت جعفرگللو، زهرا عابدینی، سیداحمد بطحایی (۱۳۹۲)، ارتباط هوش معنوی با شادکامی و پیشرفت تحصیلی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قم، *مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی*، دوره سیزدهم، شماره ۵: ۴۴۰-۴۳۱. سموعی راحله، محسن مصلحی، محبوبه حیدری و زهرا طغیانی (۱۳۹۰)، مدیریت شادی در دانشجویان خوابگاه‌های دانشگاه علوم پزشکی اصفهان- ۱۳۸۸، *مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی*. دوره یازدهم، شماره ۹، ۱۰۵۷-۱۰۶۲.

سیوندی‌پور، مریم و عبدالحسین عبداللهی (۱۳۹۱)، بررسی تأثیر رویارویی با شاخصه‌های علمی شادی بر کاهش علائم افسردگی، *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان*. دوره یازدهم، شماره ۶: ۵۲۰-۵۱۳.

شجاعی، فاطمه، ابوالحسن رفیعی، سیدمیثم ابراهیمی، ندا قدیمی و سیده‌رویا موسوی (۱۳۹۰)، وضعیت شادمانی دانشجویان پرستاری، *مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی*، دوره یازدهم، شماره ۲: ۱۶۲-۱۶۱.

شریف، بهرام و سیدمحمود شب‌گو منصف (۱۳۹۰)، مهندسی مجدد نگرش در نظام آموزش عالی، *ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی*، دوره اول، شماره ۲: ۲۸-۱.

صفایی موحد، سعید و محمد عطاران (۱۳۸۹)، واکای هنجارهای مؤثر بر انتخاب استاد راهنما در حوزه‌های محض (علوم ریاضی) و میان‌رشته‌ای (علوم تربیتی): یک مطالعه پدیدارشناختی، *فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*. دوره دوم، شماره ۴، ۱۲۱-۹۵.

عابدی، حیدرعلی (۱۳۸۸)، کاربرد روش تحقیق پدیده‌شناسی در علوم بالینی، *فصلنامه راهبرد*، سال نوزدهم، شماره ۵۴: ۲۲۴-۲۰۷.

عربی، حسین (۱۳۹۴)، *سیاست‌های کلی نظام*، تهران: کمیسیون نظارت دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام.

قزل، علیرضا، مجید رمضان و محمدرضا زاهدی (۱۳۹۲)، ارائه چارچوب مفهومی برای اندازه‌گیری سرمایه ساختاری در دانشگاه، *رشد فناوری*، سال دهم، شماره ۳۷: ۶۳-۵۳.

لطف‌آبادی، حسین، وحیده نوروزی و نرگس حسینی (۱۳۸۶)، بررسی آموزش روش‌شناسی پژوهش در روان‌شناسی و علوم تربیتی در ایران، *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، دوره ۶، شماره ۲۱: ۱۴۰-۱۰۹.

مجلسی، محمدباقر (۱۳۹۰)، *بحار الانوار*، (ترجمه محمدتقی آقاجنقی اصفهانی)، قم: دارالکتب الإسلامیه.

مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۳۸۲)، *سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی*. تهران: دفتر مقام معظم رهبری.

مطهری، مرتضی (۱۳۶۷)، *سیری در سیره ائمه اطهار*، تهران: صدرا.
 نوملی، مهین، لایلا جویباری و اکرم ثناگو (۱۳۹۱)، مشارکت دانشجو کلید هر تغییری است: نقش دانشجویان در تحول و نوسازی نظام آموزش پزشکی. گام‌های توسعه در آموزش پزشکی، *مجله مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی*، سال دهم، شماره ۱، ۵۹-۵۰.
 نیازآذری، کیومرث (۱۳۹۳)، بررسی تأثیر شادابی و نشاط در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان متوسطه شهرستان ساری، *مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی (دانشگاه مازندران)*، دوره دوم، شماره ۳، ۵۷-۳۵.

منابع لاتین

- Abelmann, N., Kim, H., & Park, S. J. (2005), The Uneven Burden of Vitality: College Rank, Neoliberalism, and South Korea's "New Generation", *Korean Education*, 33-52.
- Alavi, H. R. (2007), "Correlatives of happiness in the university students of Iran" (a religious approach), *Journal of Religion and Health*, Vol.46, No.4: 480-499.
- Argyle, M. (2013), *The psychology of happiness*, Routledge.
- Carr, A. (2011), *Positive psychology: The science of happiness and human strengths*, Routledge.
- Dankoski, M. E. Palmer, M. M. Laird, T. F. N. Ribera, A. K. & Bogdewic, S. P. (2012), "An expanded model of faculty vitality in academic medicine", *Advances in health sciences education*, Vol.17, No.5: 633-649.
- Day, C. & Lee, J. (2011), *New Understandings of Teacher's Work*, New York: Springer Science, 10, 978-94.
- Diener, E. Oishi, S. & Lucas, R. E. (2012), *Subjective well-being: The science of happiness and life satisfaction*, Oxford handbook of positive psychology.
- Frey, B. S. & Stutzer, A. (2010), *Happiness and economics: How the economy and institutions affect human well-being*, Princeton University Press.
- Garland, E. L. (2013), *Mindfulness-oriented recovery enhancement for addiction, stress, and pain*. Washington, DC: NASW Press.
- Huston, T. A. Norman, M. & Ambrose, S. A. (2007), "Expanding the discussion of faculty vitality to include productive but disengaged senior faculty", *Journal of Higher Education*, Vol.78, No.5: 493-522.

- K ppe, S. Harder, S. & Væver, M. (2008), "Vitality affects", *International Forum of Psychoanalysis*, Vol.17, No.3: 169-179.
- Lee, J. K. (2011), "Higher Education and Happiness in the Age of Information", *Higher Education Review*, Vol.43, No.3: 70-79.
- Lee, J. K. (2008), "Education and Happiness: Perspectives of the East and the West", *Online Submission*.
- Lewis, M. Haviland-Jones, J. M. & Barrett, L. F. (Eds) (2010), *Handbook of emotions*, Guilford Press.
- Narmashiri, S. Raghbi, M. & Mazaheri, M. (2014), "Effect of Fordyce happiness training on the emotion regulation difficulties in the American Psychological Association adolescents under support of social welfare", *International Journal of Psychology and Behavioral Research*, Vol.1: 613-621.
- Nili, M; Mousavi, S; & Rezazade, S. (2013), "Relationships between vitality of the role in the prevention of addiction in order to facilitate the social order and security in higher education", *Word of science Journal: Engineers press*, Vol.1, No.10: 62-70.
- Peterson, C. (2006), *A primer in positive psychology*, Oxford University Press.
- Richman, L. S. Kubzansky, L. D. Maselko, J. Ackerson, L. K. & Bauer, M. (2009), "The relationship between mental vitality and cardiovascular health", *Psychology and Health*, Vol.24, No.8: 919-932.
- Selhub, E. M. & Logan, A. C. (2012), *Your brain on nature: The science of nature's influence on your health, happiness and vitality*, John Wiley & Sons.
- Seligman, M. E. & Csikszentmihalyi, M. (2000), "Positive psychology: An introduction", *American Psychological Association*, Vol.55, No.1: 5.
- Smith, M. K. (2005, 2013), *Happiness and education-theory, practice and possibility, the encyclopedia of informal education*, Published in address: <http://infed.org>.
- Snyder, C. R. Lopez, S. J. & Pedrotti, J. T. (2010), *Positive psychology: The scientific and practical explorations of human strengths*, Sage Publications.
- Stern, D. N. (2010), *Forms of vitality: Exploring dynamic experience in psychology, the arts, psychotherapy, and development*, Oxford University Press.

Uysal, R. Satici, S. A. Satici, B. & Akin, A. (2014), "Subjective vitality as mediator and moderator of the relationship between life satisfaction and subjective happiness", *Educational Sciences: Theory & Practice*, Vol.14, No.2: 489-497.

<http://ut.ac.ir/fa/news/All/bodyView/591/0> /URAP.تبه.جدید.دانشگاه.تهران.در.نظام.ر.تبه.بندی.
ml

<http://www.moin-publisher.com>

<http://www.jasjoo.com/books/wordbook/dekhoda/> /نشاط

<http://www.vajehyab.com/?q=پویایی>